

قوانین عتیقه

یکی از بزرگان میگوید: «انسان در زندگی تعاون محتاج میباشد و لازمهٔ تعاون این است که هر کس در خور استعداد خود برای زندگی عمومی کاری انجام دهد و بامبادله کارها هر کس بتواند از عمل‌های دیگران مستفید و بهره‌مند گردد و چون عمل‌ها ممکن است باهم تفاوت داشته باشند (مثل اینکه عمل بنا از عمل نجار زیادتر یا کمتر باشد) پس مقومی عادل برای تعدیل کارها لازم است و آن پول میباشد و از این جهت پول بین افراد بشر عادل بشمار میرود ولی عادل صامت و چون ممکن است در پارهٔ مواقع عادل صامت از انجام وظیفه خود قاصر مانده و نتواند تعادل را حفظ کند پس احتیاج عمومی بعادل ناطق باقی است تا بوسیلهٔ او احکام عدالت مجری و اعتدال در امور پیدا گردد و از این جا است که نوع بشر همیشه بدادرس عادل محتاج بوده و میباشد.»

جامعه‌ها همیشه و در هر زمان احتیاج شدیدی بعدالت داشته و دارند و از این جهت متفکرین ملل نه فقط در قرون اخیر بلکه در عهد عتیق نیز برای اجرای عدل و داد قواعدی وضع و سازمان‌هایی تشکیل داده‌اند که در این مقاله بیارهٔ از آنها اشاره مینمائیم:

۱ - حقوق عبرانی

ملایمت و اعتدالی که در هفده قرن قبل از میلاد در قوانین کیفری عبرانی وجود داشته در قوانین ملل دیگر آن زمان تقریباً بی نظیر بوده در سایه قوانین نامبرده و اجرای صحیح و عادلانه آن سکنه ارض فلسطین از هول و وحشت شکنجه‌هایی که حتی تا قرن هیجدهم در اروپا وجود داشته فارغ و آسوده بوده‌اند.

نظر بقواعد مذهبی وقت شخص واحد نمی‌توانست متکفل امر قضاوت و دادرسی گردد و از این جهت دادرسان متعدد در دادرسی شرکت میکردند در سازمان قضائی وقت سه قسم دادگاه پیش‌بینی شده بود.

۱ - دادگاه سه نفری موسوم به «Schophetim»

این دادگاه در هر یک از شهرها تشکیل می‌شد و بیارهٔ دعاوی کیفری و همچنین بعضی از دعاوی نقدی رسیدگی میکرد بشکایت‌های پژوهشی از احکام این دادگاه در دادگاه ۲۳ نفری که ذیلاً مذکور است رسیدگی می‌شد. مأمورین مخصوص برای احضار اشخاص و اجرای احکام و امورات دیگر تحت امر دادگاه بودند.

۲ - دادگاه ۲۳ نفری موسوم به «Dinnispha»

در شهرهای مهم تشکیل و بدعاوی پژوهشی از احکام دادگاه سوفتیم و همچنین بیارهٔ از دعاوی جنائی رسیدگی می‌نمود.

۳ - دادگاه سان‌هدرن «Sanhedrin»

دادگاه از هفتاد نفر کارمند تشکیل میشد کارمندان این دادگاه از بین صلحای درجهٔ اول کشور و اشخاص منزله و میری از تمام معایب انتخاب میشدند این دادگاه تقریباً مثل دادگاهی بود که سابقاً در پاریس به اسم «پارلمان» تشکیل میشد گاهی عنوان جمعیت سیاسی را داشت و در مواقع لزوم هم در معبد بزرگ فلسطین به عنوان دادگاه تعیین جلسه نهوده باتهامات بطرفیت رهبانان و افسران لشکر و مدعیان نبوت و غیره رسیدگی مینمود در صورت لزوم قوانین را تفسیر میکرد و این تفسیر برای دادگاهان تالی سند و حجت بود رئیس دادگاه لقب نازی Nasi داشت.

تمام دادرسان نظر باوامر مذهبی در امر دادرسی و تشخیص حق از باطل دقت فوق العاده میکردند و منتها درجه بی طرفی را حفظ مینمودند و از این جهت مورد تکریم و احترام بسیار از طرف اهالی بودند. دادرسی بجائی بود دادرسان اجرت نمیگرفتند.

حقوق مصری

در هر استان دادگاهی تشکیل میشد و علاوه دادگاه دیگری نیز بود مرکب از ده نفر راهب. کارمندان آن از بین اشخاصی که واجد شرایط مخصوصه بودند از مصر علیا و وسطی و سفلی یعنی از شهرهای Heliopolis, phbes, Memptis انتخاب می شدند. دادرسیها از دولت حقوق میگرفتند و قبل از شروع به کار از طرف زمامدار وقت مخلف میشدند که بی طرفانه قضاوت کنند و با دقت تام و تمام بکارها رسیدگی نمایند.

شکایت از مردگان

مطابق قانون لازم الاجرای وقت اگر کسی از شخص مرده شکایت کیفری مینمود بشکایت او رسیدگی می شد.

دادگاه مخصوصی با کارمندی چهل نفر برای دادرسی اموات در سازمان دادگستری وقت پیش بینی شده بود. دادگاه بعمل منتسب بمیت رسیدگی میکرد در صورت ثبوت دعوی میت از مراسم تجهیز و تدفین محروم و مورد طعن و لعن عمومی واقع میگردد آثار جزائی محکومیت ببازمندگان میت هم ساری بود جنازه امواتی که از ایشان شکایتی نشده بود با احترامات لازمه تشییع میشد و مراسم تدفین هم بعمل میآمد.

حقوق یونان

چنانچه میدانیم یونانیهای قدیم دارای ذکاوت مخصوص بودند و مهارت ایشان در فنون جنگی نیز معروف بود اشخاص بزرگ مانند افلاطون و ارسطاطالیس

و هومر و غیره از این سر زمین ظهور کرده دنیا را بانوار دانش خود منور ساختند مونتسکیو دانشمند معروف فرانسه میگوید: «کسانی که در این عصر میخواهند از حیث علم و دانش بر حکمای قدیم یونان تفوق یابند علمی ایشان بی اطلاع میباشد.»

و با وجود این یونانیها در علم حقوق از ملل دیگر عقب مانده اند و در عهد عتیق هم دانشمند مبتکر و معروفی در این علم در یونان ظهور نکرده رومی های قدیم معتقدند که فلسفه و ادبیات و بیادقیون را از یونانیها گرفته اند ولی قواعد اساسی علم حقوق را از خودشان می دانند.

در یونانستان قدیم مینوس (۱) برای سکنه جزیره کریت و دوریائیها «Les dorieus» مقرراتی ترتیب داد و همچنین زالو کوس (۲) برای لوکر «Locre» و کارونداس «Charondas» و توریها «Les Turieus» و کاتانیها «Les Catanieus» قوانینی وضع نمود ولی نظر بانکه از قوانین نامبرده آثار کافی باقی نمانده به این جهت از قوانین دو دوره از دوره های قانون گذاری

(۱) Minos کسی است که تقریباً چهارده قرن قبل از میلاد قوانینی وضع نموده است.

(۲) Zaloucus در قرن هفتم قبل از میلاد متولد شده از بزرگان یونان بوده قوانینی وضع و برای اجرای عادلانه آن کمال دقت و اهتمام مبذول داشت به موجب قانون وقت کیفر مرتکب فحشاء محرومیت از هر دو چشم بود پسر جوان زالو کوس که خیلی مورد علاقه او بود مرتکب فحشاء گردید مشارالیه امر بدر آوردن دو چشم پسر خود نمود اهالی جمع شده استدعای عفو پسر جوان را نمودند برای رعایت خاطر مردم زالو کوس راضی شد فقط يك چشم مرتکب فحشاء کننده شود ولی يك چشم خود را نیز عوض چشم پسر در آورد قادر اجرای قانون تبعیض واقع نشود.

بعده یونان که دارای اهمیت میباشند اختصاراً گفتگو مینمائیم:

۱ - لیکورگ (۱) از رجال یونانستان در قرن نهم قبل از میلاد بوده پس از آنکه مدتی در مصر بتکمیل علوم پرداخته و در هندوستان سیاحت نمود به کریت آمده قوانین مینوس را مورد مطالعه و دقت قرار داد و بعد به اسپارت مراجعت کرده قوانینی وضع نمود قوانین لیکورگ نزد متقدمین و متأخرین کمال شهرت و اعتبار را داشته از مورخین یونان کسونوفون (۲) و پولیب (۳) در تمجید آثار و قوانین لیکورگ بی اندازه غلو کرده اند افلاطون (۴) نیز بقول بعضی از محققین اقوال لیکورگ را استعاره کرده و از آنها استفاده نموده است. دانشمندان فرانسه که در قرن هیجدهم در صد انتخاب رژیم برای اداره امور حکومت بودند سازمان اداری اسپارت ها را مورد تمجید قرار داده اند موبلی (۵) میگوید: «قوانین اسپارت بقدری حکیمانه تنظیم شده که برای نوع بشر اتیان نظیر آن مقدور نیست» و بعضی دیگر مانند ده پو (۶) و ولنهی (۷) و

(۱) از خاندان حکمداران اسپارت می باشد. وقتی که قصد مسافرت و سیاحت داشت از اهالی اسپارت قول گرفت که تا موقع مراجعت از سفر قوانین او را نسخ و ابطال نکنند ولی در اثنای سفر مردود دیگر به اسپارت باز نکشت اهالی هم بنا به قولی که داده بودند قوانین او را همیشه محترم می داشتند.

(۲) Xenophon از شاگردان سقراط و مورخین معروف یونان میباشد.

(۳) Polybe از رجال قرن دوم قبل از میلاد یونان و از مورخین میباشد.

(۴) Platon از رجال یونان در قرن پنجم قبل از میلاد و یکی از بزرگترین فلاسفه میباشد.

(۵) Mobly از رجال دانشمند و نویسندگان قرن هیجدهم در فرانسه بوده است.

(۶) De pauw از ادبای فرانسه در قرن هفدهم می باشد.

(۷) Volney از ادبا و دانشمندان فرانسه در قرن هیجدهم میباشد.

غیره اصول اداره لیکورگ را شدیداً مورد انتقاد قرار داده میگویند قوانین او جز پامال کردن حقوق بشریت منظوری نداشته زیرا بموجب قانون وی اطفال ضعیف البینه و ناقص الاعضا از جهت اینکه بدرد جامعه نمی خورند ناپستی زنده بمانند اهالی از مسافرت بخارج و مخالطه باملل دیگر و بازرگانی بری و دریائی ممنوع بودند بعنوان اینکه اطفال متعلق بکشور میباشند و از این رو تحت نظارت دولت باید زندگی نمایند حقوق و اختیارات پدری الغا شده بود، وظایفی سخت برزنها تحمیل شده بود که مثل مردان بایستی برای تحصیل معیشت کار کنند و امثال و نظایر اینها.

۲ - سولون (۱) - قانونی که در اگون (۲) در سال ۶۲۴ قبل از میلاد برای اهالی آتن وضع نمود خیلی سخت بود و از این جهت در اندک مدتی قدرت و حکومت خود را از دست داد و رشته امور از هم پاشید و فتنه و اغتشاش در آتن پیدا گردید سولون شخصی بود دارای پیشینه روشن و از خاندان کودروس (۳) در آن موقع منصب آرحونتی را (۴) قبول کرد و

Solon (۱)

(۲) Dracon قوانین کیفری در اگون بی اندازه سخت بود مثلاً برای تنبلی کیفر اعدام و برای سرقت علف از باغچه کیفر ضبط اموال و نفی ابد مقرر داشته بود باین جهت اهالی آتن در مدت سی سال مدت حکومت این قانون فوق العاده فقیر و پریشان شده و در اثر آن مجدداً رشته نظامات گسیخته و هرج و مرج در آتن برپا گردید.

(۳) Codrus در قرن هفدهم قبل از میلاد پادشاهی داشت و جان خود را فدای میهن نمود.

(۴) Arhonte گاهی در یونان یک نفر را انتخاب نموده و اداره امور حکومت را مدت معین یا مادام العمر بوی می سپردند این شخص عنوان آرحونت داشت و نخستین مرتبه عنوان نامبرده به (مدولو) پسر کودروس بیاس خدمات پدرش داده شد.

را ترویج نمود دانشمندان و صاحبان هنر در زمان او محترم و مرفه زندگی میکردند.

در مقالات آینده از قوانین کیفری سولون و همچنین از قوانین ایران قدیم و رومیهای قدیم گفتگو خواهیم نمود.

وحدت

قوانین دیگری برای اهالی آتن وضع و اعلان نمود. سولون برخلاف لیکورگ در موقع تنظیم قانون طبیعت و وضع معیشت و عادات اهالی را کاملاً در نظر گرفته بود و بر عکس قانونگذار گذشته عوض این که مردم را از مسافرت بخارجه و مخالطه با ملل دیگر باز دارد مخصوصاً بازرگانی و دریانوردی و حرف و پیشه‌های کونا کون

مضمون و اساس حق

يك نیت و بالاخره يك ماهیت علم النفس است. يك کیفیت از لحاظ منفی هیچوقت عمل موجود نیست مگر اینکه از يك فاعل سر زده و یکی از تظاهرات اراده را بیان کند بنا بر این هر عملی در آن واحد دارای عنصر داخلی و خارجی است و این دو عنصر اصلی لازم و ملزوم یکدیگرند.

استوارت میل میگوید: عمل عبارت است از پی در پی واقع شدن دو چیز است اول انشاء اراده و دوم بموقع عمل گذاردن آن. ولی باید گفت که در حقیقت این دو چیز مکمل یکدیگرند. اگر مایک انشاء اراده را بخودی خود سنجیده و قبل از ظهور وجود خارجی آن «زمانی» قائل شویم ما در این انشاء اراده يك «عمل» پیدا میکنیم زیرا تشکیل تصمیم که محتاج بيك مدتی است بخودی خود يك حرکت - يك مصرف انرژی و بالنتیجه يك عمل است مثل يك مسئله ریاضی که شخص در مغز خود آن را حل مینماید بنابراین نمیشود افتراقی بین عمل داخلی و خارجی پیدا کرد و فقط میتوان برای هر يك از آنها يك ارزش نسبی قائل شد. يك عمل داخلی غیر قابل تصور است اگر آن را بادیای خارج تطبیق نکنیم منتها اعمال داخلی میتوانند بطرائق مختلف ظاهر

در نگارش قبل گفته شد که حق عبارت از يك وجود کلی ذهنی است که حاکم بر کلیه اصول قضائی میباشد در نگارش فعلی میخواهیم اصل و عنصری را که با مقایسه آن حق در خارج تحقق پیدا میکند جستجو کنیم:

این اصل عبارت از فعالیت و عمل است زیرا در صورتیکه حق وجود ذهنی است ما نمی توانیم کلمات عادلانه - غیر عادلانه - حق - و نا حق را بدون اینکه آنها را بيك فعالیت خارجی نسبت دهیم در نظر بگیریم مفهوم این کلمات که فقط کتبات ساده ناشیه از طبیعتند دارای این خصیصه نیستند که صرف نظر از يك اصل عمومی دارای معانی مخصوص بخود باشند ولی باید دانست کلمه «عمل» دارای چه معنی و مقصود از آن چی است؟ عمل عبارت از يك فعالیت طبیعی صادره از افراد است که در آن واحد متضمن فعالیت اراده نیز میباشد بعبارت دیگر اثری است که بيك مؤثر یعنی فاعل نسبت داده میشود.

عمل دارای دو عنصر است: عنصر خارجی که عبارت از يك حقیقت ظاهر دنیای فیزیکی است عنصر داخلی که عبارت از يك حالت روحی - يك اثبات اراده -